

قرارداد تشکیل حساب جاری بانکی در حقوق ایران

(تاریخ دریافت: ۱۶ مهر ۱۳۹۷ - تاریخ پذیرش: ۱۹ اسفند ۱۳۹۷)

اصغر محمودی*

استادیار گروه حقوق خصوصی مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام‌نور
جلال سلطان احمدی: استادیار گروه حقوق خصوصی مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام‌نور
آرش بابائی: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه پیام‌نور تهران

چکیده

با تشکیل قرارداد حساب جاری بانکی، حسابی با عنوان و نام متقاضی، نزد بانک افتتاح می‌شود. مطابق آنچه از مفاد این قرارداد و قصد طرفین قرارداد دانسته می‌شود؛ بانک در مقابل صاحب حساب متعهد می‌گردد همه وجوهی را که صاحب حساب یا اشخاص ثالث قصد واریز به این حساب را دارند بپذیرد و نیز صاحب حساب حق واریز وجوه به این حساب را خواهد داشت. عین وجوه واریزی به این حساب به تملک بانک درمی‌آید و بانک معادل وجوه دریافتی، مدیون صاحب حساب می‌شود؛ بنابراین صاحب حساب حق خواهد داشت در هر زمان و به هر نحو از جمله با صدور چک، عین وجوه واریزی خویش را از بانک مطالبه کند؛ چراکه بانک نیز متعهد شده به محض مطالبه، دین خویش را به صاحب حساب یا هر شخص دیگر (دارنده چک) بپردازد. از میان تعهدات فوق، تنها تعهد بانک به پذیرش وجوه واریزی تعهدی منجز بوده و به صرف انعقاد قرارداد به وجود آمده است. سایر تعهدات مندرج در این قرارداد معلق به واریز وجوه به حساب است و به صرف انعقاد قرارداد به وجود نیامده و قابل مطالبه نیستند. در این مقاله به بررسی قرارداد تشکیل حساب جاری بانکی و مقررات یا شرایط عمومی و اختصاصی این قرارداد پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: حساب جاری، حقوق بانکی، سپرده قرض الحسنه جاری، قرارداد

مقدمه

حساب جاری بانکی، حسابی است که به موجب قرارداد فی مابین بانک و متقاضی افتتاح می‌شود و بانک موجودی وجهی را که به حساب شخص منظور شده؛ یکجا یا به دفعات و به موجب چک یا دستور کتبی صاحب حساب پرداخت یا منتقل می‌کند. بانک با افتتاح این نوع حساب موجبات تسهیل در پرداخت و برداشت از حساب مزبور را برای مشتریان خود فراهم می‌کند. بر این اساس، بانک و مشتری ارکان قرارداد حساب جاری بانکی نامیده می‌شوند.

ماده ۱۸۳ قانون مدنی عقد یا قرارداد را چنین تعریف کرده است: «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد.» این تعریف بر این مبناست که کارکرد اصلی عقد، ایجاد تعهد است (شیروی، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۲). به همین دلیل، ماده ۱۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است. در حقوق فرانسه، برای معرفی عمل حقوقی دوطرفه، دو واژه به کار می‌رود. در معنی اخص «قرارداد»^۱، یکی از انواع تعمد (شرط)^۲ معرفی شده است. به این توضیح که قرارداد عبارت است از: توافق دو یا چند اراده نسبت به یک امر دارای اثر حقوقی، اعم از آنکه آن اثر ایجاد یا امحا یا تغییر تعهد و حقی باشد، اما کنترا، آن‌چنان توافق دو یا چند اراده است که ایجاد حق و تعهد می‌کند.^۳ ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی فرانسه عقد یا کنترا را چنین تعریف می‌کند: «عقد عبارت از توافقی است که به وسیله آن یک یا چند شخص در برابر یک یا چند شخص دیگر تعهد می‌کنند که چیزی را تسلیم کنند یا عملی را انجام دهند یا انجام ندهند» (شهیدی، ۱۳۹۰: ۴۷).

ژرژ ریپر و امانوئل ورژه در جلد اول کتاب حقوق تجارت خود که در سال ۱۹۵۶ منتشر شد، حساب جاری را عقدی تعریف کرده‌اند که به موجب آن دو شخص در روابط معاملاتی خود توافق می‌کنند مجموع عملیات فی مابین را در حساب واحدی به صورت پرداخت‌های بدهکار و بستانکار ثبت کنند (کیایی، ۱۳۴۷: ۱۵).

۱. Contrat

۲. Convention

۳. Mezeaud, 1998: 52

۱. مبانی نظری

حساب جاری در فرهنگ دهخدا حسابی است که «در بانک‌ها به نام اشخاص باز می‌شود و معمولاً سودی برای آن منظور نمی‌شود» (دهخدا، ۱۳۴۰: ۵۲۶).

از بین مؤلفانی که حساب جاری را از نظر حقوقی مورد توجه قرار داده و به عنوان نوعی عقد تعریف کرده‌اند؛ دو تعریف انتخاب می‌شود که از نظر زمان نیز بین آن‌ها فاصله نسبتاً طولانی است.

۱. بواستل^۱ تعریفی از حساب جاری کرده که عده‌ای از مؤلفان از قبیل لیون کان^۲ و رنو^۳ و تالر^۴ هم آن را پذیرفته‌اند: «حساب جاری، عقدی است که به موجب آن طرفین قرار می‌گذارند هنگامی که مطالبات ناشی از عملیات آن‌ها وارد حساب می‌شود، استقلال و وضع خاص خود را از دست داده تشکیل مانده‌ای دهد که فقط در دوران مورد توافق طرفین قابل مطالبه باشد.»

۲. ژرژ ریپر^۵ و امانوئل ورژه^۶ در جلد اول کتاب حقوق تجارت منتشره در ۱۹۵۶ پس از بیان توضیح لازم در مورد تعریف‌های عدیده که از حساب جاری شده، تعریفی به این نحو پیشنهاد کرده‌اند: «حساب جاری عقدی است که به موجب آن دو شخص در روابط معاملاتی خود موافقت می‌نمایند مجموع عملیات مختلف بین خود را از طریق ثبت پرداخت‌های بدهکار و بستانکار در حساب واحدی انجام دهند. بستانکاری‌ها و بدهکاری‌های ناشی از دوران عمل حساب، حالت تعلیق داشته فقط موقع بستن حساب مانده آن به طور قطع قابل پایاپای و مطالبه خواهد بود.»

حال در میان انواع سپرده‌گذاری بانکی یکی از مصادیق موضوع مطالعه این مقاله حساب جاری است که ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌گوید بانک‌ها می‌توانند تحت عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند: الف) سپرده‌های قرض الحسنه: ۱. جاری ۲. پس‌انداز. ب) سپرده‌های

۱. Boistel, 1884

۲. Lyon-Caen

۳. Renault

۴. Thaller

۵. Georges Ripert

۶. Emmanuel Verge

سرمایه‌گذاری مدت‌دار (کاتوزیان ۱۳۹۳: ۷۲).

۲. ارکان یا طرفین قرارداد حساب جاری

بانک و مشتری ارکان قرارداد حساب جاری بانکی محسوب می‌شوند (استفهامات حقوقی، ۱۳۸۹: ۱۱۷). بانک به عنوان مؤسسه مالی و اعتباری و از طرفی متعهد قرارداد مشتری، علاوه بر ارائه خدمات بانکی، ملزم است؛ به پرداخت چک‌هایی که صادرکننده در حسابی که نزد یا عهده آن بانک چک صادر کرده است و وجه کافی دارد (وصولی داده و پرداخت کند) و در صورت نداشتن موجودی کافی، گواهینامه عدم کفایت موجودی صادر و تحویل آورنده چک نماید.^۱ یکی از طرفین قرارداد، حساب جاری، بانک است که وظیفه فراهم کردن خدماتی مانند: پذیرش سپرده‌ها، دادن وام‌های تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم را بر عهده دارد.^۲ حال بانک انواع مختلف می‌تواند به ارائه این خدمات بپردازد:

الف) بانک‌های خصوصی

بانک خصوصی، بانکی است که برابر قانون از جمله: ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۸۶ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ با مالکیت و مدیریت اشخاص غیردولتی، با مجوز بانک مرکزی و براساس مقررات مربوط تأسیس شد (مقررات و سیاست‌های کلی اصل ۴۴، ۱۳۸۹: ۳۵).

ب) بانک‌های دولتی

شرکت‌های دولتی در ایران به مؤسساتی اطلاق می‌شود، که بیش از ۵۰ درصد سهام آن‌ها در اختیار دولت، ارگان‌ها یا نهادهای دولتی باشد. برابر ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ که بانک‌ها را شرکت سهامی عام تلقی کرده است، کماکان به قوت خویش باقی است؛ بنابراین مشکل عدم وجود نص قانونی وجود ندارد و ماده ۱۸ لایحه اداره امور بانکی صراحتاً از «سهام بانک جدید» صحبت می‌کند و این امر حکایت از شرکت دولتی تلقی شدن بانک‌ها را دارد (دوانی، ۱۳۹۴: ۱۵۵). به هر ترتیب این نوع بانک‌ها نیز به عنوان مؤسسات مالی و اعتباری وقتی

۱. General principles of Malaysian law. 2007: 343

۲. Business English. 2012: 48

عملیات بانکی انجام می‌دهند، متعهد به ارائه خدمات به مشتریان هستند؛ از جمله افتتاح حساب جاری. قرارداد حساب جاری بانک و متقاضی (مشتري) افتتاح می‌شود. بانک با افتتاح این نوع حساب، موجبات تسهیل در پرداخت و برداشت از حساب مزبور را برای مشتریان خود فراهم می‌آورد. بر این اساس بین بانک و مشتری قرارداد حسابی مبتنی بر عقد قرض و با شرایط خاصی منعقد و به امضای طرفین می‌رسد.

گفتنی است اگرچه به‌ظاهر این شعبه بانک است که مبادرت به انعقاد قرارداد حساب جاری می‌نماید و طرف قرارداد محسوب می‌شود، ولی شعبه بانک به نمایندگی از بانک به امضای قرارداد حساب جاری می‌پردازد و شعبه شخصیت حقوقی مستقلی ندارد. توهم طرف قرارداد بودن شعبه افتتاح‌کننده حساب در روش سنتی اجرای حساب جاری، نمود بیشتری دارد؛ زیرا ظاهراً تنها همان شعبه افتتاح‌کننده حساب، تعهد به دریافت و پرداخت وجوه را در مقابل صاحب حساب دارد، اما روش‌های جدید اجرای حساب جاری (حساب جاری جام در بانک ملت یا حساب سیبا در بانک ملی و...) این تصور را برطرف می‌کند. در روش‌های جدید، تعهدات ناشی از انعقاد قرارداد حساب جاری بر تمامی شعب آن بانک بار می‌شود و رابطه قراردادی میان تمامی شعب بانک و صاحب حساب شکل می‌گیرد.

۲-۲. صاحب حساب (مشتري)

طرف دیگر قرارداد حساب جاری را صاحب حساب یا متقاضی حساب جاری گویند. اولین و بزرگ‌ترین تقسیم‌بندی صاحبان حساب، برحسب تعداد صاحبان یا به عبارت دیگر تعداد طرفین مقابل بانک است. بر این اساس قراردادهای حساب جاری بر دو نوع: قراردادهای حساب جاری با یک صاحب حساب (حساب انفرادی) و قرارداد حساب جاری با چند صاحب حساب (حساب مشترک) استوار هستند. به‌عنوان اطمینان خاطر عرض شود که اکنون تمام حساب‌های اشخاص دارای کد انحصاری به نام شماره حساب متمرکز هستند. شناسه حساب بانکی ایران که به اختصار «شبا» نامیده می‌شود، شماره‌ای ۲۴ رقمی است که حسابی بانکی را به‌صورت منحصر به فرد در تمام نظام بانکی ایران مشخص می‌کند (مقررات مکانیزاسیون حساب جاری، ۱۳۹۱).

۳. شرایط اساسی صحت معامله در قرارداد حساب جاری

شرایط اساسی صحت معاملات در مواد ۱۹۰ الی ۲۱۸ قانون مدنی^۱ بیان شده است و صرفاً در مقام احراز این شرایط و تطبیق قرارداد حساب جاری با آن به بیان نکاتی خواهیم پرداخت. پرسشی که ابتدا به ذهن می‌رسد این است که مقصود از قرارداد حساب جاری کدام یک از قراردادهای متفاوتی است که هریک از بانک‌ها با مشتریان خویش منعقد می‌کنند (همدمی، ۱۳۷۵: ۸۴). به‌طور کلی چگونه می‌توان در قراردادی نامعین که قانون‌گذار اوصاف و احکام خاص آن را تبیین نکرده است، به بررسی و احراز شرایط اساسی در آن پرداخت. حال آنکه در هر مورد امکان دارد شالوده قرارداد از پایه و اساس (تحت همان نام کلی) و بنا به توافق طرفین تغییر یابد و ما شاهد قراردادهای کاملاً متفاوت اما تحت نام واحد باشیم. در پاسخ باید گفت چنین ایرادی به قرارداد حساب جاری وارد نیست؛ زیرا قرارداد حساب جاری در حال حاضر از جمله قراردادهای الحاقی است و شرایط گفت‌وگو پیش از انعقاد بر این قرارداد حاکم نیست و مفاد قرارداد از ناحیه بانک ارائه شده و از جانب متقاضی افتتاح حساب پذیرش می‌شود. از طرف دیگر بانک نیز در تهیه و ارائه مفاد قرارداد آزاد نیست و متن قرارداد را براساس مقررات مربوط، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های بانک مرکزی (مدیریت نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی) تنظیم می‌کند و این مقررات و بخشنامه‌ها برای تمامی بانک‌های دولتی و خصوصی تقریباً یکسان هستند (صفار، ۱۳۹۱: ۵۲). در مواد ۱۹۱ تا ۲۰۹ قانون مدنی مقرر شده است که عقد با اراده طرفین منعقد می‌شود. از آنجا که بانک‌ها نیز مطابق قانون مدنی اقدام می‌کنند و همواره و به‌طور معمول به همه تقاضاهایی افتتاح حساب جاری پاسخ مثبت می‌دهند و هیچ‌ای را بدون قبول نمی‌گذارند؛ این پرسش مطرح شده است که آیا بانک در قبول چنین تقاضاهایی مختار یا ملزم به پذیرش است؟ (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۷۲). برخی در پاسخ به این پرسش به اصل آزادی قراردادی استناد و چنین استدلال کرده‌اند که بانک

۱. براساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی، برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

- قصد طرفین و رضایت آن‌ها؛
- اهلیت طرفین؛
- موضوع معین که مورد معامله باشد؛
- مشروعیت جهت معامله.

مانند هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در انعقاد قرارداد آزاد است و درخصوص بانک‌های دولتی نیز هیچ الزام قانونی برای این دسته از بانک‌ها در انعقاد قرارداد حساب جاری وجود ندارد (صفایی، ۱۳۹۳: ۴۸). در همین راستا، بند ۳ ماده ۱۹ قانون اساسنامه بانک ملی ایران مصوب ۱۳۳۹/۳/۷ به‌عنوان مؤید ذکر شده است. در این بند به صراحت به بانک ملی اختیار داده شده است که حتی بدون ذکر دلیل از پذیرش تقاضای افتتاح حساب جاری یا هر گونه معامله دیگر خودداری کند (اسکینی، ۱۳۷۰: ۹۸).

شرط دوم صحت معاملات اهلیت است. درواقع کسی که اهلیت دارد، مطابق مقررات بانکی صلاحیت افتتاح حساب جاری بانکی را دارد. باید متذکر شد که مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هریک از طرفین معامله تعهد تسلیم یا ایفای آن را می‌کنند. همچنین مورد معامله باید مالیت داشته باشد و متضمن منفعت عقلایی و مشروع نیز باشد. در ادامه باید ذکر کرد که مورد معامله باید مبهم نباشد، مگر در موارد خاص که علم اجمالی به آن کافی است. از مجموع مباحث این نتیجه حاصل می‌شود که در قرارداد حساب جاری، طرفین توافق می‌نمایند که هرگاه صاحب حساب یا هر شخص دیگر جوهری به حساب شخص پرداخت کند، بانک این وجوه را بپذیرد و در مقابل معادل این وجوه بدهکار صاحب حساب تلقی شده و به محض مطالبه صاحب حساب مکلف خواهد بود تا معادل این وجوه را به وی یا هر شخص دیگر دارنده چک پرداخت کند (همتی، ۱۳۹۲: ۳۳)؛ پس مطابق قرارداد حساب جاری:

۱. حساب جاری در بانک برای متقاضی (صاحب حساب) افتتاح می‌شود.
۲. صاحب حساب حق خواهد داشت جوهری را در دفعات نامحدود به این حساب واریز کند.
۳. بانک متعهد می‌شود تمامی این وجوه واریزی به حساب معین را بپذیرد.
۴. بانک مالک وجوه واریزی به حساب جاری می‌شود.
۵. بانک معادل وجوه دریافتی مدیون صاحب حساب می‌شود.
۶. صاحب حساب حق خواهد داشت در هر زمان تا سقف وجوه پرداختی مثل این وجوه را با کشیدن چک شخصاً یا توسط دیگری از بانک مطالبه کند.
۷. بانک مکلف می‌شود تا سقف وجوه دریافتی را به محض مطالبه و ارائه چک به دارنده چک بپردازد (وحیدی، ۱۳۹۴: ۳۵).

یکی از نویسندگان حقوق بانکی که به تحلیل قرارداد حساب جاری پرداخته است، مورد قرارداد حساب جاری را «پرداخت وجه توسط صاحب حساب در حساب» تلقی کرده است (اسکات جی، ۱۳۹۴: ۱۶۹). با توجه به مقدمات فوق این نظر قابل پذیرش نیست؛ زیرا به حکم ماده ۲۱۴ قانون مدنی صرفاً عملی می‌تواند موضوع قرارداد حساب جاری تلقی شود که طرفین قرارداد تعهد به ایفای آن کرده باشند؛ حال آنکه پرداخت وجه موضوع تعهد صاحب حساب نیست، بلکه امکان پرداخت وجه به بانک توسط صاحب حساب صرفاً حقی است که در نتیجه انعقاد قرارداد حساب جاری برای شخصی به وجود می‌آید و تکلیف صاحب حساب به پرداخت وجوه قرار نمی‌گیرد. امکان دارد پس از انعقاد قرارداد، صاحب حساب هیچ‌گاه وجهی را به بانک پرداخت نکند؛ بنابراین نمی‌توان پرداخت وجوه توسط صاحب حساب به بانک را موضوع معامله و مورد تعهد در این قرارداد تلقی کرد (لنگرودی، ۱۳۸۷: ۵۷).

بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی یکی دیگر از شرایط اساسی صحت معامله را «مشروعیت جهت معامله» ذکر کرده است. همچنین ماده ۲۱۷ قانون مدنی در مقام بیان ضمانت اجرای این شرط، بطلان عقدی را که جهت آن نامشروع است، منوط به تصریح طرف عقد به نامشروع بودن جهت دانسته است. جهت نامشروع در قرارداد حساب جاری نیز مانند سایر عقود قابلیت تحقق دارد. شایع‌ترین جهت نامشروع قابل تصور در قرارداد حساب جاری قصد «پولشویی» است. به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد سیستم بانکی (مانند قابلیت بالا و سهولت جذب منابع مالی) تبهکاران حرفه‌ای برای پنهان کردن منشأ واقعی وجوه حاصل از اعمال مجرمانه و جهت قانونی نشان دادن منشأ این وجوه به بانک‌ها متوسل می‌شوند (انصاری، جلد ۵: ۲۵۸).

حال در فرضی که شخصی به قصد پولشویی مبادرت به انعقاد حساب جاری کند، چنانچه در هنگام انعقاد عقد و تکمیل فرم‌های مربوط در بانک بنا به هر دلیلی قصد واقعی خود از افتتاح حساب جاری را بیان کند، به حکم ماده ۲۱۷ قانون مدنی چنین قراردادی، به‌طور قطع باطل خواهد بود.^۱

۴. شرایط عمومی افتتاح قرارداد حساب جاری

بانک می‌تواند با رعایت مقررات صادره از سوی شورای پول و اعتبار و اداره نظارت بر

۱. (قانون مبارزه با پولشویی و آیین‌نامه اجرایی آن، ۱۳۸۶).

بانک‌های بانک مرکزی به افتتاح حساب جاری برای شخص حقیقی و حقوقی مبادرت کند.^۱ علاوه بر شرایط اساسی صحت معاملات که در انعقاد تمام قراردادها رعایت می‌شود، شرایط خاصی نیز وجود دارد که مختص قرارداد حساب جاری بوده و بانک‌ها با رعایت چنین شرایطی اقدام به پذیرش تقاضای افتتاح حساب جاری و انعقاد قرارداد با متقاضی می‌کنند. این شرایط برگرفته از عرف و رویه رایج بانکداری در ایران بوده و بانک مرکزی نیز طی بخشنامه‌های متعدد، بانک‌ها را ملزم به رعایت این شرایط حین انعقاد قرارداد حساب جاری کرده است. در ادامه مهم‌ترین این شرایط ویژه را بررسی خواهیم کرد.

۴-۱. تعرفه شخص افتتاح‌کننده حساب جاری

یکی از مهم‌ترین ارکان اصلی تجارت، شناخت و قابلیت اعتماد به طرف‌های تجاری است. مدیریت نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی در بخشنامه شماره نب/ ۵۳۳۴، ۲۱ دی ۱۳۶۱ در این زمینه چنین مقرر داشته است: «... حداقل یک نفر از مشتریان که نزد بانک مربوطه حساب جاری داشته و یا برای رئیس شعبه شناخته شده باشد، معرف متقاضی جهت افتتاح حساب باشد.» در هر صورت و با افتتاح حساب و انعقاد قرارداد حساب جاری مسئولیت معرف در مقابل بانک و اشخاص ثالث تنها مسئولیتی اخلاقی است و هیچ‌گونه مسئولیت حقوقی نخواهد داشت. همچنین از هرگونه مسئولیت کیفری نیز مبری است و عمل وی را نمی‌توان معاونت در بزه صدور چک بلامحل تلقی کرد.

۴-۲. توانایی امضا کردن قرارداد حساب جاری بانکی

امضا عبارت است از نوشتن نام یا نام خانوادگی (یا نام و نام خانوادگی با هم) یا رسم علامت ویژه‌ای که نشانه هویت صاحب علامت است در ذیل اوراق و اسناد عادی یا رسمی که متضمن وقوع معامله یا تعهد یا قرار یا شهادت و مانند آن‌ها است یا بعداً باید روی آن اوراق تعهد یا معامله ای ثبت شود. قانون مدنی تعریفی از امضا ارائه نکرده است. ماده ۱۳۰۱ قانون مذکور در مورد امضا مقرر می‌دارد: امضای که در روی نوشته یا سندی باشد بر ضرر امضاکننده دلیل است (قاسمی،

۱. (دستورالعمل حساب جاری بانکی بانک).

۱۳۸۸: ۳۲۹). به این ترتیب چه امضا سنتی و چه امضا الکترونیکی اولین شرط افتتاح حساب خواهد بود، اما اثر انگشت نیز می‌تواند جایگزین امضا برای تکمیل فرایند و یا درمورد افراد فاقد امضا باشد.

الف) امضای عادی

امضای عادی، امضا یا دستخط یک نمایش دست‌نویس از نام، لقب یا حتی یک ضربدر ساده است و افراد روی اسناد می‌نویسند تا مدرکی باشد برای نیت فرد، نویسنده یا امضاکننده.

ب) امضای الکترونیکی

بند الف ماده ۲ راهنمای ۲۰۰۱ آنسیترا و قانون تجارت الکترونیک ایران نیز در بند «ی» از ماده ۲، در تعریف امضای الکترونیک چنین مقرر می‌دارد که امضای الکترونیک عبارت است از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به داده پیام که برای شناسایی امضاکننده داده پیام استفاده می‌شود (محمودی، ۱۳۹۳: ۴). همچنین برای اعتبار و صحت انتساب اسناد مبادلات الکترونیک لازم است امضای الکترونیک جایگزین امضاهای دستی شود. امضای الکترونیک از حیث آثار حقوقی هیچ تفاوتی با سایر امضاهای دست‌نویس ندارد؛ یعنی چنانچه امضای الکترونیک از تمام شرایط فنی لازم برخوردار باشد و ایمنی آن به کمک علوم رایانه‌ای تضمین شود، آنگاه از همان اعتبار و جایگاه امضای دست‌نویس در ادله اثبات دعوا برخوردار خواهد بود و می‌تواند به عنوان دلیل در مقام دعوا یا دفاع استناد شود. نمونه امضای مشتری نزد بانک و مندرج در کارت حساب جاری از نوع امضای الکترونیک محسوب می‌شود (فیضی، ۱۳۸۹: ۵۷).

۴-۳. فقدان سابقه چک برگشتی

یکی دیگر از شروط لازم برای انعقاد قرارداد حساب جاری در ماده ۲۱ قانون صدور چک بیان شده است. مطابق این ماده «بانک‌ها مکلف‌اند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که بیش از یک‌بار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آن‌ها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد؛ بسته و تا سه سال به نام آن‌ها حساب جاری دیگری باز نمایند...» در راستای اجرای حکم این ماده یکی از اقدامات بانک پس از تقاضای افتتاح حساب جاری توسط اشخاص، اخذ استعلام از بانک مرکزی در مورد وجود یا فقدان سابقه چک برگشتی به نام متقاضی است. چنانچه متقاضی ظرف سه سال اخیر منتهی به تقاضای افتتاح حساب جاری، حداقل دو فقره، صدور چک بلامحل منتهی به

شکایت و صدور کیفرخواست داشته باشد، انعقاد قرارداد حساب جاری بین بانک و چنین شخصی امکان پذیر نیست. بخشنامه شماره نب / ۵۲۲۴، ۲۱ دی ۱۳۶۱، اداره کل نظارت بانک مرکزی شرط فوق را به شرح ذیل مورد اشاره قرار داده است: «... بررسی لیست سیاه دفتر ثبت مشخصات صادرکنندگان چک های بلامحل که طی سه سال بیش از یک بار چک بلامحل صادر نموده باشند توسط مسئول افتتاح حساب جاری شعبه و اطمینان از اینکه متقاضی قبلاً مشمول ماده (۲۱) قانون صدور چک نبوده و از افتتاح حساب جاری محروم نشده باشد.»

۴-۴. تابعیت یا اقامت در ایران برای افتتاح حساب جاری بانکی

در جلسه ۱۲۲۷ شورای پول و اعتبار مورخ ۱۴ دی ماه ۱۳۹۵ مطرح و تصویب شد که بانک ها مجاز هستند برای اشخاص حقیقی (صفار، ۱۳۹۳: ۱۸۵) خارجی غیرمقیم افتتاح حساب کنند، تنها به این شرط که حضور متقاضی در بانک انجام شده و گذرنامه معتبر نیز ارائه شود. همچنین بانک ها می توانند برای آن دسته از اشخاص حقیقی خارجی مقیم که یکی از مدارک دفترچه پناهندگی صادره از نیروی انتظامی یا کارت هویت صادرشده از سوی وزارت کشور و کارت خروجی مدت دار را دارند، حساب سپرده قرض الحسنه جاری بدون دسته چک، حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز و سپرده سرمایه گذاری مدت دار افتتاح کنند.

مطابق بخشنامه ها و مقررات بانکی، تقاضای افتتاح حساب جاری از جانب اشخاص پذیرفته می شود که تابعیت ایرانی داشته یا جواز اقامت در ایران را داشته باشند. بند «ب» بخشنامه شماره نب/ ۵۲۳۴، ۲۱ دی ۱۳۶۱ اداره کل نظارت و امور بانک مرکزی انعقاد قرارداد حساب جاری با اشخاص حقیقی تابع یک کشور خارجی را منوط به وجود و ارائه جواز اقامت متقاضی دانسته است. بدین ترتیب انعقاد قرارداد حساب جاری بین بانک های ایران و اتباع بیگانه که مجوز اقامت در ایران را ندارند؛ مانند بیگانگانی که به عنوان پناهنده در ایران سکونت دارند و دارای مجوز سکونت (موسوم به کارت آبی رنگ) از وزارت کشور هستند یا بیگانگانی که با رویداد جهانگردی یا رویداد موقت سه ماهه وارد ایران می شوند، امکان پذیر نیست.

۵. توافق طرفین بر تشکیل قرارداد حساب جاری

در قرارداد تشکیل حساب جاری بانکی، توافق دو یا چند نفر جزء اصلی قرارداد مذکور است. به عنوان مثال در خرید یک اتومبیل، دو نفر توافق می کنند که فروشنده اتومبیل خود را به دیگری (خریدار) بدهد و دیگری متقابلاً پولی به فروشنده پرداخت کند. قصد و رضایت درونی دو طرف بر انتقال مال یا انجام کاری برای وقوع یک قرارداد کفایت می کند. تنوع روابط اجتماعی و اقتصادی سبب شده که قراردادها نیز به تناسب آن متنوع شوند (مجبی، ۱۳۸۴: ۱۰۸). در قانون مدنی ایران، دسته‌ای از قراردادها توضیح داده شده است؛ مثل بیع، اجاره، وکالت، رهن، قرض، حواله، مضاربه، مزارعه که به آن‌ها عقود معین گفته می شود و دسته‌ای دیگر از قراردادها را که مشمول این موارد نمی شوند، به عنوان قرارداد می شناسیم که به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی اگر متن آن‌ها مخالف صریح قوانین نباشد معتبر و برای طرفین لازم‌الاجر هستند. قرارداد حساب جاری بانکی نیز مطابق توافق طرفین و به منزله ماهیت اعتباری، مانند هر قراردادی دارای بعد زمان و مکان است. برای تعیین اینکه قرارداد یادشده در چه زمان و مکانی تشکیل می شود، چهار نظریه ابراز شده است:

(الف) نظریه اعلام قبول (اعلان اراده): براساس این نظریه، قرارداد حساب جاری زمانی کامل و منعقد می شود که قبول کننده، اراده خود را از طریق امضای نامه یا تلگرام یا امثال آن ابراز کند، اگرچه هنوز نامه را ارسال نکرده باشد.

(ب) نظریه ارسال قبول: براساس این نظریه، برای تحقق قرارداد حساب جاری، نامه حاوی قبول باید ارسال شده باشد؛ مثل تسلیم به اداره پست یا نامه رسان و این زمان است که عقد کامل و منعقد شده تلقی می شود.

(ج) نظریه وصول: طبق این نظریه، قرارداد حساب جاری در زمان وصول نامه به ایجاب کننده منعقد می شود؛ از این رو این نظریه را سیستم وصول نامیده اند. این نظریه در کنوانسیون بیع بین المللی پذیرش شده است.

(د) نظریه اطلاع: براساس این نظریه، زمان انعقاد قرارداد حساب جاری هنگامی است که ایجاب کننده از قبول آگاه می شود. به عبارت روشن قرارداد هنگامی منعقد می گردد که نوشته مبتنی بر قبول و واصل شده و ایجاب کننده از مضمون آن آگاه شده باشد.

برای درک و انتخاب نظر صائب از ۴ نظریه فوق پس از مطالعه تطبیقی نتیجه بحث ارائه خواهد شد:

۵-۱. مطالعه تطبیقی کشوری

در حقوق ایران، نظریه ارسال را درباره زمان تشکیل قرارداد حساب جاری پذیرفته‌اند. برخی بیان کرده‌اند در میان چهار نظریه مذکور، نظریه ارسال قبول‌کننده قابل دفاع و با مقررات و قواعد و اصول حقوقی نظام حقوقی کشور ما منطبق است؛ زیرا آنچه در قانون مدنی از جمله ماده ۱۹۱ به منزله عامل تشکیل عقد معرفی شده است چیزی بیش از قصد انشای همراه با وسیله ابراز آن نیست و عنصری دیگر مانند وصول قبول به ایجاب‌کننده و اطلاع او بر قبول لازم دانسته شده است^۱ (بازگیر، ۱۳۸۹: ۳۸).

در اینجا حقوق ایران که نظریه ارسال را پذیرفته است، نزدیک به حقوق فرانسه و با کنوانسیون وین ۱۹۸۰ متفاوت است.

در نظام حقوقی فرانسه، قبول و ایجاب با هم قرارداد را کامل و منعقد می‌کند و از لحاظ شرایط تابع شرایط کلی اظهار اراده است. درباره زمان وقوع قرارداد حساب جاری رویه قضائی فرانسه متفاوت است. برخی آرا نظریه اعلان اراده را پذیرفته و برخی از نظریه وصول پیروی کرده‌اند، اما نظریه اول طرفداران بیشتری دارد. در هر مورد باید با توجه به اوضاع و احوال، زمان و مکان وقوع قرارداد را مشخص کرد و در این خصوص عرف و عادت و اراده طرفین را مدنظر قرار داد. در صورتی که نتوان از این طریق اراده واقعی طرفین را احراز کرد، باید دانست که زمان اعلان قبولی، همان زمان وقوع عقد است (قربان‌وند، ۱۳۹۴: ۵۶). درباره مکان وقوع قرارداد حساب جاری، به جز در مواردی که اراده طرفین یا اوضاع و احوال، راه حل مخالفی را ارائه کنند، باید بر آن بود که محلی که قبول اعلان می‌شود محل انعقاد قرارداد است (صفایی، ۱۳۹۲: ۸۳). به هر حال بیع بین‌المللی کالا درباره زمان و مکان وقوع عقد، نظریه وصول، اما در حقوق فرانسه نظریه اعلام قبول (اعلان اراده) پذیرفته شده است.

در حقوق انگلیس در موردی که قرارداد حساب جاری به صورت کتبی و از طریق تبادل نامه

۱. ماده ۳۳۹ قانون مدنی

صورت گیرد، قبول براساس قاعده پستی است؛ یعنی از زمان تحویل نامه قبول به پست نافذ و مؤثر است. درمورد زمان وقوع قرارداد، هم در زمان نفوذ قبول، قرارداد با مکاتبه منعقد می‌شود. قبول از لحظه تحویل نامه به پست منعقد می‌شود و مکان وقوع عقد هم همان مکان تحویل نامه به پست است؛ زیرا به محض ارسال نامه قبول، قرارداد منعقد می‌گردد. لذا تا قبل از «قبول» و یا تحویل نامه به پست، قبول پذیرنده قابل استرداد است، اما بعد از تحویل نامه به پست دیگر قبول کننده قادر به استرداد نیست، هر چند هنوز نامه قبول به ایجاب کننده نرسیده باشد و نامه استرداد سریع تر به ایجاب کننده برسد.

در مقررات متحدالشکل تجارت آمریکا، درمورد زمان و مکان وقوع قرارداد حساب جاری نص خاص وجود ندارد، اما در حقوق ایالات متحده، نویسندگان حقوقی براساس رویه قضایی، متذکر این موضوع شده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۸۹). براساس رویه قضایی ایالات متحده، قرارداد در همان زمان و مکان ارسال منعقد می‌شود (رستمی، ۱۳۸۹: ۱۵۵). در اصلاحیه مقررات فوق دریافت پیام الکترونیکی حاوی قبول توسط ایجاب کننده، همان زمان تشکیل قرارداد الکترونیکی حساب جاری اعلام شده است.

۵-۲. تعیین مکان وقوع قرارداد حساب جاری

تعیین مکان وقوع قرارداد تشکیل حساب جاری بانکی از نظر تعیین صلاحیت محاکم مهم است. ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران تعهدات ناشی از قرارداد را تابع قانون محل وقوع عقد می‌داند؛ مگر اینکه طرفین اتباع بیگانه بوده و به‌طور آشکار یا ضمنی عقد را تابع قانون دیگری قرار داده باشند. حسب ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی اصل بر اقامه دعوی در محل اقامت خوانده است، حال در دعاوی بازرگانی و اموال منقول علاوه بر اصل مذکور، طبق ماده ۱۳ قانون، خواهان می‌تواند برای اقامه دعوی به دادگاه محل وقوع عقد، یا محل اجرای آن نیز رجوع کند که این مقررات درمورد حساب جاری بانکی نیز حاکم و قابل اجرا است (کریمی، ۱۳۸۹: ۲۸).

قرارداد الکترونیکی حساب جاری، اصولاً ماهیت متفاوتی از قراردادهای سنتی ندارد. در قراردادهای الکترونیک که به‌طور کامل در فضای مجازی و غیر ملموس منعقد می‌شوند، ولی ماهیت حقوقی را نمی‌توان از زمان و مکان منفک ساخت. در نتیجه این نوع قراردادها نیز به مختصات زمان و مکان محدود هستند. تشکیل قرارداد در تجارت الکترونیکی به‌طور عموم میان

اشخاصی صورت می‌گیرد که از نظر مکانی و زمانی از یکدیگر فاصله دارند. در نتیجه قانون‌گذار معیاری عینی مانند محل تجاری را مکان ارسال و دریافت داده پیام می‌داند که می‌توان محل انعقاد قرارداد دانست و برای محل استقرار فیزیکی سیستم اطلاعاتی اهمیت زیادی قائل نشده است و اقامتگاه قانونی تنها زمانی ملاک است که مخاطب محل تجاری یا کاری نداشته باشد.

۳-۵. قرارداد حساب جاری؛ قرارداد فوری و حضوری یا غیر حضوری

قراردادهای فوری قراردادهای هستند که با وسایل فوری مانند مکالمات تلفنی یا در اتاق گفت‌وگو منعقد می‌شوند. تاکنون دریافتیم که با انعقاد قرارداد حساب جاری و بانک متعهد می‌شود همه وجوهی را که صاحب حساب یا هر شخص دیگری به این حساب واریز می‌کند بپذیرد و همچنین به محض مطالبه تا معادل وجوه واریزی به حساب را به صاحب حساب یا هر شخص دیگر دارنده چک بپردازد. قرارداد حساب جاری با امضای فرمی که بانک در اختیار متقاضی قرار می‌دهد و حاوی نام و مشخصات متقاضی افتتاح حساب جاری، معرف و تقاضای افتتاح حساب جاری است منعقد می‌شود. قرارداد حساب جاری از نوع قراردادهای فوری است (ساسان‌نژاد، ۱۳۹۵: ۵۲۱).

در مقابل قراردادهای غیر فوری، قراردادهایی هستند که با وسایل غیر فوری ارتباط مانند نامه الکترونیکی و مبادله الکترونیکی داده‌ها منعقد می‌شوند؛ پس افتتاح حساب جاری فوری و حضوری تلقی می‌شود.

۶. اوصاف قرارداد حساب جاری بانکی به شرح زیر است:

۱-۶. تملیکی یا عهدی بودن قرارداد حساب جاری

قانون عملیات بانکی سال ۱۳۶۲ سپرده‌ها را به قرض‌الحسنه و مدت‌دار (سرمایه‌گذاری) تقسیم کرده است. ممکن است گفته شود که سپرده به سپرده‌گذار تعلق دارد و حسب شرایط افتتاح حساب، بانک اذن یا نمایندگی (آشکار یا پنهان) در تصرف می‌یابد که از محل سپرده‌ها تسهیلات اعطا کند، اما در ماده ۴ آیین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی، تملیکی بودن سپرده‌های قرض‌الحسنه که شامل سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری می‌شود، با این عبارت مورد تأیید

قرار گرفته است: «سپرده قرض الحسنه (جاری و پس انداز) جزء منابع بانک محسوب می‌شود». در نتیجه تملیکی خواندن قرارداد سپرده گذاری با جایز بودن آن ناسازگار به نظر می‌رسد؛ زیرا بر هم زدن یک جانبه عقد، دخل و تصرف در دارایی دیگران محسوب می‌شود که با عنایت به اصل استقلال دارایی افراد از یکدیگر و نداشتن ولایت شخص بر شخص دیگر مردود است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۷).

۲-۶. لزوم یا جواز قرارداد حساب جاری

درباره لازم یا جایز بودن قرارداد سپرده گذاری، قانون عملیات بانکی حکم صریحی ندارد؛ از این رو دو احتمال مطرح می‌شود:

الف) در بند ۱۳ شرایط عمومی حساب سپرده قرض الحسنه جاری آمده که علاوه بر موارد قانونی، در هر موقع و موردی بنا به تصمیم هریک از طرفین، ممکن است حساب بسته شود؛ بنابراین هریک از طرفین اعم از بانک و سپرده گذار اختیار بستن حساب را دارند. مضاف بر اینکه در عمل نیز حداقل بستن حساب از سوی سپرده گذار در سپرده‌های قرض الحسنه اعم از پس انداز و جاری میسر است. همچنین عندالمطالبه بودن سپرده‌های قرض الحسنه در ماده ۲ از آیین نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی تصریح شده است. در مورد سپرده‌های مدت دار نیز مطابق تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک وکیل سپرده گذار اعلام شده که عقد وکالت نیز با عنایت به ماده ۶۷۸ به بعد قانون مدنی عقدی جایز است (شهیدی، ۱۳۹۳: ۳۶).

ب) برای تشخیص لزوم و جواز یک قرارداد (نسبت به یک طرف یا هر دو طرف عقد) در صورت سکوت قانون، بدو باید دید آیا مبانی جواز عمل حقوقی از بابت اذن مانند: عقد عاریه، از جهت نظم عمومی مانند نامزدی و از جایگاه ایجاد حق برای یک طرف مانند عقد رهن وجود دارد یا خیر؟ (شهبازی، ۱۳۸۵: ۴۶). بدیهی است در صورت نبود این مبانی، باید قائل به لزوم عقد شد.

۳-۶. عینی یا رضایی بودن قرارداد حساب جاری بانکی

یکی از نتایج اصل حاکمیت اراده از بین بردن تشریفات است که پیش از آن برای انعقاد قرارداد لازم بود. در حقوق مدنی، اصل رضایی بودن عقود امری پذیرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۶۷). با توجه به اصل فقدان رکن بودن قبض در انعقاد قراردادها، پس تسلیم سپرده قید

موضوع قرارداد است نه شرط تحقق آن؛ لذا از قراردادهای سپرده گذاری، رضایی بودن آن برداشت نمی شود؛ یعنی صرف توافق سپرده گذار و بانک گشاینده حساب برای کامل شدن قرارداد سپرده گذاری کافی نیست و سپرده گذار وجوه مشخص شده را نیز باید به بانک تسلیم کند؛ از این رو عمل حقوقی سپرده گذاری در مرحله ایجاد مرکب از ایجاب، قبول و قبض سپرده از ناحیه سپرده گیر است؛ زیرا مادامی که پول مورد تمایل سپرده گذار برای افتتاح حساب به بانک تسلیم نشود، بانک حاضر نخواهد بود نسبت به گشایش حساب اقدام کند. در عرف نیز تسلیم سپرده به سپرده گیر است که او را متوجه تعهدات خود از جهت نگهداری و پس دادن مال سپرده شده می کند (کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

۴-۶. قرارداد حساب جاری بانکی به عنوان عقدی نامعین

برخی نویسندگان حقوقی پس از سنجش و تطابق قرارداد حساب جاری با عقد معین در نهایت نتیجه گرفته اند که قرارداد مذکور از حیث قصد مشترک و آثار آن، عقدی ویژه و مستقل بوده و باید آن را در زمره عقود نامعین تلقی کرد. پس به حکم ماده ۱۰ قانون مدنی آن را نسبت به طرفین و قائم مقام آن ها لازم الاتباع دانست و تا حد امکان سعی کرد احکام مربوط را از طریق شرایط ضمن عقد در این قرارداد پیش بینی نمود و در موارد باقی مانده که پیش بینی لازم در قرارداد نشده است از احکام خاص عقود قرض و ودیعه در موارد مشابه استفاده کرد (کیایی، ۱۳۴۷: ۴۶-۴۴). از میان نویسندگان حقوق بانکی نیز برخی با رد نظریه قرض تلقی کردن قرارداد حساب جاری با دلایلی مشابه همان دلایلی که سابق بیان شد، این قرارداد را نوعی عقد نامعین دانسته اند (مسعودی، ۱۳۸۶: ۷۲).

نتیجه آنکه قرارداد حساب جاری قراردادی خاص، مستقل و نامعین بوده و برای کشف شرایط خاص انعقاد این قرارداد، آثار آن، تعهدات متقابل طرفین و... باید از متن قرارداد که مبین قصد مشترک طرفین است و نیز منابع دیگر مانند قواعد عمومی قراردادهای، حقوق تجارت، عرف خاص بانکی، اصول و قواعد فقهی و حقوقی استفاده کرد.

۵-۶. آثار قرارداد حساب جاری بانکی

منظور از آثار قرارداد، نتایجی است که عقد پس از انشا در عالم حقوق به وجود می آورد. آثار

قرارداد یا عقد گوناگون است. این آثار برای برطرف کردن نیاز انسانی در روابط اجتماعی برای عقد وضع شده‌اند. با انعقاد قرارداد حساب جاری، حسابی با همین عنوان و به نام متقاضی نزد بانک افتتاح می‌شود. مطابق آنچه از مفاد این قرارداد و قصد طرفین قرارداد دانسته می‌شود، بانک در مقابل صاحب حساب متعهد می‌شود که همه وجوهی را که صاحب حساب یا اشخاص ثالث قصد واریز به این حساب دارند بپذیرد و متقابلاً صاحب حساب حق واریز وجوه به این حساب را خواهد داشت. عین وجوه واریزی به این حساب به تملک بانک درآمده و بانک معادل وجوه دریافتی مدیون صاحب حساب می‌شود؛ بنابراین صاحب حساب حق خواهد داشت در هر زمان با صدور چک طلب خویش را از بانک مطالبه کند و بانک نیز متعهد می‌شود به محض مطالبه، دین خویش را به صاحب حساب یا هر شخص دیگر دارنده چک بپردازد. با توجه به مفاد قرارداد تشکیل حساب جاری، آثار این قرارداد در سه عنوان زیر طبقه‌بندی و پدیدار می‌شود:

۱. تعهد بانک به پذیرش وجوه واریزی به حساب؛

۲. انتقال مالکیت وجوه به بانک؛

۳. تعهد بانک به استرداد عندالمطالبه و مثل وجوه.

۶-۶. انحلال قرارداد حساب جاری بانکی

به موجب قواعد حقوق مدنی، قراردادی که به‌طور صحیح منعقد شده است، ابطال‌شدنی نیست. از دیدگاه حقوق مدنی اگر قرارداد شرایط اساسی صحت معاملات را نداشته باشد، باطل است، ولو اینکه تصور می‌شده که عقد واجد شرایط بوده و صحیح منعقد شده است (شیروی، ۱۳۹۶: ۲۷۹). بنابراین اگر بعد از انعقاد عقد مشخص شود عقد برخی از شرایط اساسی را نداشته، عقد از اساس باطل است نه اینکه عقد صحیح بوده و حالا باطل می‌شود. عقد باطل از اساس اثر حقوقی ندارد (ماده ۲۶۵ قانون مدنی) و همه مبادلات و تصرفاتی که به استناد عقد باطل بین طرفین واقع شده‌اند فاقد مشروعیت و وفق الزامات خارج از قرارداد موجب مسئولیت است (ماده ۳۶۶ قانون مدنی). محل بحث اکنون با فرض صحت شرایط قرارداد و دوام حساب جاری، مدت انقضا و امکان انحلال قرارداد است:

۶-۶-۱. انحلال ارادی قرارداد حساب جاری

الف) فسخ یک‌جانبه قرارداد حساب جاری از سوی هریک از طرفین؛

ب) انحلال قرارداد حساب جاری با توافق طرفین (اقامه).

۶-۶-۲. انحلال قهری قرارداد حساب جاری

انحلال قرارداد حساب جاری ممکن است به نحو غیرارادی و بر اثر اتفاقاتی مانند ورشکستگی، حجر، فوت و... باشد.

۱. موارد انحلال قهری مربوط به بانک

الف) ممنوعیت بانک از انجام عملیات بانکی به حکم هیئت انتظامی بانک‌ها؛

ب) انحلال بانک؛

ج) ورشکستگی بانک.

۲. انحلال قهری مربوط به صاحب حساب^۱

الف) فوت صاحب حساب؛

ب) سفه صاحب حساب؛

پ) جنون صاحب حساب؛

ت) انحلال شخص حقوقی صاحب حساب؛

ث) ورشکستگی صاحب حساب.

نتیجه‌گیری

قرارداد تشکیل حساب جاری و رابطه دریافت و پرداخت بین دو طرف حساب، نیازمند به تراضی و قصد طرفین بوده و بدون رضایت آن‌ها قرارداد حساب جاری بانکی به وجود نمی‌آید. شرایطی که طبق قانون برای صحت و معلول‌بودن رضایت در معاملات پیش‌بینی شده در مورد حساب جاری هم صدق می‌کند. در لزوم قصد و رضای طرفین برای انعقاد حساب جاری تردیدی نیست، اما درباره چگونگی ابراز قصد و رضا و صریح یا ضمنی‌بودن آن از نظر حقوقدانان و رویه

۱. الف) انحلال به حکم ماده ۲۱ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶؛

قضایی، اظهارنظرهای مختلفی شده است. بعضی معتقدند مانند معاملات دیگر، هر عملی که مبین قصد و رضای طرفین باشد، ولو به طور ضمنی، برای انعقاد حساب جاری کافی است. عده‌ای دیگر بین حساب جاری مدنی و تجاری فرق قائل شده و بر مبنای آزادی ادله در امور بازرگانی، دفاتر حساب‌های تجاری نوشته را لازم می‌دانند.

«پیره» که خود از معتقدان به رضایت ضمنی در حساب جاری است، به یکی از آرای نسبتاً قدیمی دادگاه شهر بردو اشاره کرده است که در آن استدلال شده برقراری رابطه کار و معامله بین دو بازرگان برای تحقق حساب جاری بین آن‌ها کافی است. لاکور و بوترن هم توافقی ضمنی را برای ایجاد حساب جاری قبول کرده و اضافه نموده‌اند که هرگاه حساب جاری تجارتی باشد، بنا به اصل آزادی ادله در امور بازرگانی ممکن است حساب حتی بدون هیچ گونه نوشته برقرار شود.

اسکارا نیز درباره این موضوع مطالبی بیان کرده و توضیح داده است که طرفین حساب جاری باید به طور صریح در ایجاد حساب جاری بین خود توافق کنند. همچنین اضافه کرده است که چنانچه حساب بازرگانی باشد با توجه به ماده ۱۰۹ قانون تجارت فرانسه براساس آزادی ادله در عملیات بازرگانی وجود هیچ گونه نوشته‌ای برای برقراری حساب جاری الزامی نیست.

«ژرژری» اعلام داشته است که تراضی طرفین اصولاً به طور صریح انجام می‌شود و پرداخت وجوه و ثبت آن در حساب و دادن دسته‌چک و استفاده از حساب جاری همه دلایل کتبی؛ حاکی از رضایت طرفین به انعقاد حساب جاری است.

به این ترتیب، قرارداد حساب جاری بانکی با توجه به شرایط و وضع خاصی که دارد، در عین اینکه از خیلی جهات ممکن است با قرض و در برخی موارد با امانت و سایر عقود قانونی قابل تشبیه و تطبیق باشد، با هیچ یک از آن‌ها مطابقت کامل ندارد، بلکه خود عقد مخصوص و مستقلی است که طبق شرایط مربوط بین طرفین منعقد می‌شود و با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی درباره طرفین و قائم مقام قانونی آن‌ها معتبر و لازم‌الرعایه است. قوانین درباره حساب جاری بانکی ناقص است و مادام که مقررات مناسبی برای روشن شدن وضع حقوقی حساب جاری و مسائل مختلف آن تصویب نشده است، باید سعی شود با تدابیر و پیش‌بینی‌های لازم و تنظیم شرایط کافی برای انعقاد (تشکیل) قرارداد حساب جاری بانکی از ایراد اشکال و اختلاف جلوگیری می‌شود.

با وجود این، چنانچه در مواردی، قرارداد و شرایط مربوط ساکت یا مبهم و نارسا باشند و با بروز اختلاف ضمن کمک از عرف و عادت موجود بانکی و سایر مقررات مربوط اعم از مقررات راجع به امانت یا قرض و غیره تا حدودی که با آن قابل تطبیق باشد، می‌توان در رفع اشکال و اختلاف اقدام کرد.

کتاب نامه منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی و عربی

- استفهامات حقوقی. (۱۳۸۹). تهران: انتشارات بانک ملت.
- اسکات، جی و برنهام، جو کرانیاک. (۱۳۹۴). حقوق قراردادها. مترجم مهدی سعادت فرد. تهران: آوند دانش.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۷۰). خصائص قراردادهای تجاری. تهران: دادگستر.
- افتخاری، جواد. (۱۳۸۴). حقوق تجارت. اسناد تجاری و بانکی. تهران: ققنوس.
- السان، مصطفی. (۱۳۸۴). «ابعاد حقوقی بانکداری اینترنتی» مجله پژوهش‌های حقوقی. شماره ۷.
- بازگیر، یدالله. (۱۳۸۹). موازین حقوق تجارت در آرا. دیوانعالی کشور. تهران: گنج دانش.
- حضرتی، مریم. (۱۳۸۷). «افزایش سرمایه در شرکت‌های سهامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- دستورالعمل حساب جاری. (۱۳۹۱). بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره مطالعات و مقررات بانکی.
- دوانی، غلامحسین. (۱۳۹۴). «قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت». تهران: کیومرث.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۰). فرهنگ دهخدا. جلد دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- رستمی، عباداله. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی زمان تشکیل عقد در عقود مکاتبه‌ای در حقوق ایران و کنوانسیون». پژوهشنامه حقوق کیفری. شماره ۱.
- ره‌پیک، حسن. (۱۳۹۴). حقوق مدنی حقوق قراردادها. تهران: خرسندی.
- ساسان‌نژاد، امیر هوشنگ. (۱۳۹۵). نمونه قراردادها. تهران: فردوسی.
- ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۴). حقوق تجارت. جلد اول. تهران: دادگستر.
- شیخ انصاری (ره)، مرتضی (بی‌تا). مکاسب. ترجمه محی‌الدین فاضل‌هرندی. جلد ۵. تهران: بوستان کتاب.
- شهبازی، محمدحسین. (۱۳۸۵). مبانی لزوم و جواز اعمال حقوقی. تهران: مؤلف.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۶). آثار قراردادها و تعهدات. چاپ سوم. تهران: مجد.
- _____. (۱۳۸۹). حقوق تشکیل قراردادها. جلد اول. تهران: مجد.
- _____. (۱۳۹۰). تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: مجد.
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۶). حقوق قراردادها. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- صفار، محمدجواد. (۱۳۹۳). شخصیت حقوقی. تهران: بهنامی.
- صفایی، سید حسین و دیگران. (۱۳۹۲). حقوق بیع بین‌المللی. تهران: دانشگاه تهران.
- صفایی، سید حسین. (۱۳۹۳). حقوق قراردادها. جلد اول. تهران: میزان.
- فومشی، اباذر. (۱۳۹۲). نحوه عملی تنظیم قراردادها. تهران: خط سوم.
- فیضی چکاب، غلام نبی. (۱۳۸۹). «اعتبار حقوقی دلیل و امضای الکترونیکی». مجله پژوهش و سیاست. شماره ۳۰.

- ◀ قاسمی، محسن. (۱۳۸۸). شکل‌گرایی در حقوق مدنی. تهران: میزان.
- ◀ قربان‌وند، محمدباقر. (۱۳۹۴). زمان و مکان انعقاد عقد در تجارت الکترونیکی. تهران: میزان.
- ◀ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۹). کلیات حقوق نظریه عمومی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ◀ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳). حقوق مدنی. قواعد عمومی قراردادها. جلد اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ◀ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها. جلد سوم. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ◀ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱). حقوق عقود معین. جلد ۴. تهران: میزان.
- ◀ کاشانی، محمود. (۱۳۸۸). قراردادهای ویژه. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ◀ کریمی، عباس. (۱۳۸۹). آیین دادرسی مدنی. تهران: مجد.
- ◀ کیایی، کریم. (۱۳۴۷). حساب جاری. تهران: چاپ بورس.
- ◀ لنگرودی، محمدجعفر جعفری. (۱۳۷۸). حقوق تعهدات. تهران: گنج دانش.
- ◀ محبی، محسن. (۱۳۸۴). شیوه‌های عملی صادرات- واردات. تهران: اتاق بازرگانی ایران.
- ◀ محمد احمدی، علی. (۱۳۸۲). اصول و مبانی بودجه‌ریزی. تهران: نور علم.
- ◀ محمدیان، داود. (۱۳۸۲). ارزیابی طرح‌های صنعتی، مطالعات فنی- اقتصادی- مالی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- ◀ محمودی، اصغر. (۱۳۹۳). حقوق قراردادهای انتقال فناوری. تهران: جنگل.
- ◀ مجله حقوق بانکی. (۱۳۹۴). شماره ۸۰۹.
- ◀ مجموعه دستورالعمل‌های ریالی شعب. (۱۳۹۳). ج ۱. بانک تجارت.
- ◀ مجموعه قوانین و مقررات پولی و بانکی. (۱۳۹۱). بانک مرکزی.
- ◀ مسعودی، علیرضا. (۱۳۸۶). حقوق بانکی. تهران: پیشبرد.
- ◀ مقررات مکانیزاسیون حساب جاری. (۱۳۹۱). اداره آموزش بانک ملت.
- ◀ مقررات و سیاست‌های کلی اصل ۴۴. (۱۳۸۹). تهران: سازمان خصوصی‌سازی.
- ◀ وحیدی، فریده. (۱۳۹۴). رژیم حقوقی حاکم بر ثبت شرکت‌های تجاری. تهران: میزان.
- ◀ همتی، حسن. (۱۳۹۲). حسابداری شرکت‌ها. جلد دوم. تهران: ترمه.
- ◀ همدی، ابوالفضل. (۱۳۷۵). «مجامع عمومی شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.

فرانسه

- Boistel, PERCIS de droit Commercial.(1884). No880A.
- Dalloz Repertoire de deroit Commercial et des societies(1956). Emmanuel Verge

et Georges Ripert.

- Escarra, J. (1952). *Cours de droit commercial*. Librairie du Recueil Sirey.
- Mezeaud, droit Civil. T.2, Premier Volume, Montchrestin:1998.
- Lacour, L. (1924). Précis de droit commercial (No. 04; K1005, L3 1924).
- RIPERT, G. (1963). Traite élémentaire de Droit Commercial. 2 tomos. 5. ed. Librairie Générale de Droit et de Jurisprudence. Pichón et Durand-Auzias. 1964.

انگلیسی

- Alces, P. A (2011). A theory of contract law: empirical insights and moral psychology. Oxford University Press.
- Business English. newsworld international. press (2012). page 48
- DiMatteo, L. et al. (2013). Commercial Contract Law: Transatlantic Perspectives. Cambridge University
- Ellinger, E. P. Lomnicka, E. and Hare, C (2011). Ellinger's modern banking law. Oxford University Press U.
- General principles of Malaysian law. 5th Edition. Lee meinpheng (2007). oxford fajar sdn. Bhd. page 343.